



## «حلقات»

# درس 9

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای پیشوایی

## مقدمه

یکی از آیاتی که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن تمسک شده است، آیه نفر است. برای اثبات دلالت آیه شریفه بر حجیت خبر واحد سه مقدمه بیان شد. این سه مقدمه بر هم مترتبه. مقدمه نخست بیان و در آن اثبات شد که تحذر موجود در آیه واجب است. در این جلسه، مقدمه دوم؛ یعنی اطلاق وجوب تحذر را اثبات می کنیم و سپس مقدمه سوم؛ یعنی تساوی اطلاق وجوب تحذر از کلام منذرین با حجیت کلام آنان را بررسی می کنیم. شهید صدر اشکالات مطرح شده به دلالت این آیه را مطرح کرده و ما نیز به بررسی این اشکالات می پردازیم.

## متن درس

ثانياً: ان وجوب التحذر واجب مطلقاً سواء افاد الانذار العلم للسامع أو لا، لان الوجوه المتقدمة لافادته تقتضى ثبوته كذلك.

ثالثاً: ان وجوب التحذر حتى مع عدم حصول العلم لدي السامع، مساو ق للحجية شرعاً. إذ لو لم يكن اخبار المنذر حجة شرعاً، لما وجب العمل به الا في حال حصول العلم منه. وقد يناقش في الامر النخست بوجوهه الثلاثة وذلك بالاعتراض علي نخست تلك الوجوه بان الاداة مفادها وقوع مدخولها موقع الترقب لا الترجى، ولذا قد يكون مدخولها مرغوباً عنه، كما في قوله: «لعلك عن بابك طردتنى».

## استدلال به آئی شریفه نفر

در درس گذشته استدلال به آیۀ شریفه نفر مطرح شد. این استدلال سه مقدمه دارد که مقدمه نخست مورد بررسی قرار گرفت. در مقدمه نخست اثبات شد که تحذر در آیه شریفه واجب است و مردم در مقابل انذار مندری و بیان تکالیف توسط آنان، باید امثال امر کنند.

### مقدمه دوم

پس بعد از اثبات اصل وجوب تحذر، این مقدمه، اطلاق وجوب تحذر را اثبات می‌کند. اگر در مورد امری ادعای اطلاق شود، باید درباره جهت آن بحث کرد؛ زیرا اطلاق امری نسبی است. در این بحث باید بررسی شود که حکم وجوب تحذر نسبت به چه چیزهایی است و چه حالاتی دارد و نسبت به کدام حالات و شرایط آن ادعای اطلاق شده است.

### نکته 1

تحذر در آیه شریفه دو حالت دارد. گاهی تحذر از تکالیف قطعیه است و گاه از تکالیف ظنیه. اگر از سخن مندرین برای مردم علم حاصل شد، در این صورت تنجز قطعی است و تحذر از آن هم واجب عقلی می‌باشد.

### نکته 2

تحذر واجب عقلی است. اگر کسی به صدق کلام منذر علم پیدا کرد و یقین کرد که سخنش مطابق واقع است، در واقع علم به تکلیف پیدا کرده است و علم به تکلیف عقلاً منجز است؛ یعنی وجوب امثال آن تکلیف به حکم عقل بوده و نیازی به وجوب شرعی ندارد.

گاهی از قول منذر برای مردم علم حاصل نمی‌شود و نسبت به تکالیف یقین پیدا نمی‌کنند؛ زیرا ممکن است منذر به خطا رفته یا دروغ گفته باشد و صدق کلام او در بیان تکالیف محرز نبوده و اطمینان حاصل نمی‌شود. اگر چنین باشد بنا بر نظر مشهور، تحذر عقلاً واجب نیست. در این حالت اگر احتیاط و تحذر واجب باشد، باید تحذر شرعی باشد.

### دلیل اطلاق

مستدل در مقدمه دوم چنین ادعا می‌کند که وجوب تحذر مطلق است و مخاطبین چه به صدق گفتار منذر علم داشته باشند چه نداشته باشند، تحذر و انجام تکالیف واجب است. در مقدمه نخست با سه قیاس، اصل وجوب تحذر اثبات شد، با دقت در همان ادله، وجوب تحذر به طور مطلق نیز اثبات می‌شود. برای توضیح مطلب همان مقدمات را تکرار می‌کنیم.

**قیاس نخست:** تحذر، مدخول ادات ترجی واقع شده است و مدخول ادات ترجی، مطلوب و واجب است. این تحذر به نحو مطلق مدخول ادات توجی قرار گرفته است. آئی شریفه فرموده است: «لعلهم یحذرون» و به قید «إذا علموا» مقید نشده است. در نتیجه تحذر به نحو مطلق مطلوب و در نتیجه واجب است.

**قیاس دوم:** این دلیل بر اساس وجوب غایت واجب، وجوب تحذر را اثبات می‌کرد. با توجه به این امر که کوچ و نفی به نحو مطلق واجب شده است و نسبت به ایجاد علم در شرف‌زنان و مخاطبین، وجوبش مطلق است، در نتیجه وجوب تحذر هم باید مطلق باشد؛ زیرا غایت واجب مطلق نیز مطلقا واجب است.

**قیاس سوم:** اگر تحذر واجب نباشد، امر خداوند به نفی لغو خواهد بود و از آن جا که امر خداوند به نفی و انذار مطلق است، پس باید تحذر هم به نحو مطلق واجب باشد تا اطلاق امر خداوند را توجیه کند. اگر تحذر تنها در صورت حصول علم واجب باشد، امر خداوند به نفر و انذار در مواردی که علم حاصل نشود، لغو خواهد بود. پس تحذر به نحو مطلق واجب است.

**Sco1 15:00**

## مقدمه سوم: تساوی وجوب تحذر و حجیت

وجوب مطلق تحذر با مطلوب ما؛ یعنی حجیت قول منذر مساوی است. منذر در این جا کسی است که روایات شرعی را بیان می‌کند.

اگر بر شنوندگان، تنها در موارد حصول علم نسبت به تکالیف، تحذر واجب باشد، این کلام به این معنی است که در غیر این حالت، سخن مندرین حجت نیست و لازم نیست به مفاد کلام مندرین عمل شود. اگر تحذر به طور مطلق واجب باشد، شرف‌زنان چه به صدق منذر علم پیدا کنند، چه نگنند، در هر دو حالت امثال تکالیفی که منذر نسبت به آن‌ها هشدار داده است، بر آنان واجب است. این اطلاق وجوب تحذر، نشان دهنده حجیت و منجزیت قول منذر است. اصولا حجت بودن سخن شخص، به این معناست که کلام او چه افاده علم بکند، چه نکند، مکلف باید تکالیف بیان شده توسط او را امثال نماید.

اطلاق وجوب تحذر نشان دهنده منجزیت مطلق انذار منذر است که این امر با حجیت خبر منذر شرعا مساوی می‌باشد. این بیان به صورت قیاس زیر بیان می‌شود.

صغری: اگر قول منذر شرعا حجت نباشد، عمل به قول او مطلقا (تحذر) لازم نیست.

کبری: عمل به خبر منذر مطلقا واجب است.

نتیجه: خبر منذر شرعا حجت است.

حجیت خبر واحد را با آیه شریفه نفی بر اساس سه مقدمه اثبات کردیم، شهید صدر در هر سه مقدمه اشکال

**Sco2 20:50**

کرده و دلالت آیه را بر حجیت خبر واحد نفی می‌کند.

## اشکال مقدمه نخست

مقدمه نخست بر وجوب تحذر دلالت، و با سه قیاس این امر را اثبات می‌کرد. شهید صدر به همه این قیاس‌ها توجه می‌کند، و آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

### الف) اشکال به قیاس نخست

صورت قیاس:

صغری: تحذر در آیه مدخول ادات ترجی است و مطلوب می‌باشد.

کبری: تحذر مطلوب واجب است.

نتیجه: تحذر موجود در آیه واجب است.

**اشکال:** صغرای قیاس اشکال دارد؛ زیرا «لعل» از ادات ترجی نیست، بلکه از ادات ترقب است. ترقب به معنای احتمال وقوع امری در آینده می‌باشد. در فارسی ما از آن با لفظ «شاید» یاد می‌کنیم؛ مانند شاید امروز درس تعطیل باشد؛ شاید باران ببارد؛ در فرازی از دعای ابوحمزه ثمالی آمده است: «لعلک عن بابک طردتنی». طرد و رانده شدن از درگاه الهی مطلوب نیست؛ اما ممکن است در این جا این امر نامطلوب اتفاق افتاده باشد. «ترقب» در مقابل ترجی به معنای «آرزوی چیزی» در آینده می‌باشد. بنابراین معنای آیه چنین می‌شود. «انذار کنید؛ چون احتمال دارد مردم تحذر کنند.» و وقوع این امر در آینده دلیل بر مطلوبیت نیست؛ بلکه اعم از این است که مطلوب باشد یا نباشد.

**Sco3 31:31**

## چکیده

- 1.** با سه مقدمه، دلالت آیه بر حجیت خبر واحد اثبات می شود. مقدمه نخست اثبات وجوب تحذر و مقدمه دوم اثبات اطلاق این تحذر است و در مقدمه سوم تساوی این اطلاق با حجیت خبر واحد مطرح می شود.
- 2.** با استفاده از همان دلایلی که در مقدمه نخست بیان شد، اثبات می کنیم که وجوب تحذر مطلق است و مقید به صورت حصول علم از کلام منذر نیست.
- 3.** تحذر به صورت مطلق مدخول ادات ترجیحی واقع شده است، پس باید به صورت مطلق مطلوب باشد.
- 4.** وجوب نفو به صورت مطلق در آیه مقتضی است تا تحذر هم که غایب این واجب است به صورت مطلق واجب باشد.
- 5.** اگر تحذر به صورت مطلق واجب نباشد، بعضی از موارد نَفْو لَغْو می شوند، در حالی که در آیه شریفه وجوب نفر به صورت مطلق بیان شده است.
- 6.** وجوب تحذر به نحو مطلق، مساوق با حجیت خبر می باشد؛ زیرا اگر عدم حجیت خبر واحد به معنای عدم لزوم تبعیت در موارد عدم حصول علم باشد با وجوب مطلق تحذر منافات دارد.
- 7.** شهید صدر به تمام فقرات این استدلال اشکال وارد می کنند.
- 8.** قیاس نخست برای اثبات مقدمه نخست مردود است؛ زیرا لعل از ادات ترجیحی نیست، بلکه از ادات ترقب است و این ادات بر محبوبیت و مطلوبیت مدخول خود دلالت نمی کنند.